

توقیع مورخ ۳۰ آپریل ۱۹۲۸ خطاب به اعضای محترمہء محفل مقدّس روحانی مرکزی کشور مقدّس ایران

Shoghi Effendi

نسخه اصل فارسی



اعضای محترمہء محفل مقدّس روحانی مرکزی کشور مقدّس ایران حفظہم اللہ و ایدہم ملاحظہ نمایند

ہواللہ

یا أمناء الرحمن و اودائہ مکاتیب متعدّدہء اخیر آن محفل مقدّس روحانی بتاريخ ۷ و ۲۸ جانویہ و ۱۸ شباط و ۸ و ۳۰ مارس و ۲۲ و ۳۰ فروردین متتابعاً و اصل و بر مضمون ہر یک اطلاعیہ کامل حاصل گشت. حقاً کہ شریعۃ اللہ را حامیان وفا دارید و بنیانزین دین اللہ را حافظان و حارسان جان نثار. مدنیّتی مثیل حضرت بہاء اللہ را مؤسس و مروجید و الویہء نصرت و استقلالآئین گرانہا را علی رؤس الأشہاد رافع و ناشر. بعروۃ الوثقیایولایش متمسکید و بأرادہء ازلیہ غالبہ اش متحرّک. در فضای حبش طائرید و بتعلیمات و وصایا و مواعظش متشبّث. بتہیدات اولیہء بیت عدل اعظمش مشغول و مألوفید و از روح پر فتوحش ہموارہمستفیض و مستمدّ. بألہاماتش ملہمید و بر تأییدات و امدادات لاریبیہ اش متکی و معتمد. جیش عمرم جمہور مؤمنین را در آن اقلیم سروران پر بسالت و شجاعیتید و فتنہء ضالّہء غافلین را رہبرانیدش فوق و مہربان. نجات دہندگان ملت ستمدیدہء ایرانید و پیشوایانچند حیات دہندہء عالمیان. ایادی فعّالہء حضرت غیب ابہائید و وسائط اعطای فیض حضرت فیاض. قدر این نعمت را بدانید و بر علو منزلت و سمو این رتبہء آسنی و مقام بلند اعلی واقف و آگاہ گردید و بر سعی و اجتہاد و مراقبت امر اللہ بیفزائید. مستعدّ ظهور جفا از ہر بیوفائی شوید و بر اثر اقدام مولای بزرگوار مثنی و سلوک نمائید عنقریب بدیدہء عنصری مشاہدہ خواهید فرمود کہ حضرت بہاء اللہ روحی لسلطنۃ الفدا چہ بساط عزّتی بر وجہ اولیاء و اصفیاءش گستردہو چہ قدرت و نفوذ و شوکت و جلالی از برای امنای ثابت قدمش درجامعہء بہائی ظاہر و آشکار فرمودہ. ہاتف غیب از مکمن اعلییین ندا مترنم "یا وکلّائی فی بلادی ان استقیموا علی صراطی اللہ انہ دقیق دقیق ثم اثبتوا علی الامر و انہ عظیم عظیم" "ان نصری علی احبّائی الثابتین قریب ان اذ کرونی فی ارضی جہرۃ لأذ کرکم فی ملکوتی ببیان واضح مبین. تالّہالحقّ انّ الامر اعظم من ان یذکروا ظہر من ان یستروا علی منان یصل الیہ اعراض کلّ معرض او مکر کلّ ما کر عنید. سوف تجدونالمعرضین تحت اقدام المؤمنین و لن یرحمہم اللہ و لن یغفرہم ابداً و لو انہم فی النار یضجّون" منتقم قہار اہل ریب و ادبار رابین ندا مخاطب "یا ملأ المنکرین انا ما نخاف منکم انتم ان تموتوا و تنصعقوا او تنعدموا لن یردّ امر اللہ و قد ظہر بالحقّ رغماً لأنفکم و انفسالمشرکین. ان افتحوا عیونکم یا ملأ الغفلاً ہذہ انوار شمس الّتی احاطتظہورکم و یمینکم و یسارکم و فوقکم و تحتکم و جنوبکم و شمیلکم".



ORIGINAL

شکر و سپاس مهیمن مختار را لایق و سزا که آنچه را بآن وعده داده ظاهر فرمود و عنقریب آنچه در خزائن تقدیر مستور و مخزون است از پس پرده‌ستر و خفا باصبع اقتدار برون آید و شهره آفاق شود. صبر و تحمل لازمدر بیان مقام صابر فی الله این کلمات عالیات نازل:

"فوالله سوف يظهره الله في قباب العظمة بقميص الدرّی الذیبتلأ کتلاً التور عن افق الروح بحيث يخطف الأبصار عن ملاحظتهو علی فوق رأسه ینادی منادی الله: هذا هو الذی صبر فی اللهنی الحیوة الباطله عن کلّ ما فعلوا به المشرکین و یتبرک به اهل ملأ الأعلى و یشتاق لقائه اهل الغرفات و اعین القاصرات فی سرادق قدیمیلاً. حمد خدا را که با وجود هبوب اریاح سموم و فوران نائره امتحان و افتتان و دسائس مستمره متزایده اهل مکر و عدوان و تألیفات سخیفه کذبه باطله خائنان و بیوفیان و تهدیدات و تخویفاتو انذارات واهیه بالیه اهریمنان و معاضدت و مساعدت رؤسایمذاهب و ادیان و اغماض عین اقویاء و زمامداران و تشنت شملو منان و سفک دماء بریئه مظلومان آئین جهان آرای مولای عالمیاندرا خطه مبارکه ایران از حفره ستر و خفا قدم برون نهاده در عرصه شهودو میدان مبارزه نخستین جلوه دیرینه را ظاهر و پدیدار فرموده و صحیهر آورده: قد اتی الجمال علی ظلل الاستقلال ان اسر عوالمیه انهمحی العالمین. لوأش مرتفع، اساسش مستحکم، نفوذش آفاقانادر ازدیاد و دائره اجرات و اقدامات محبانش یوماً فیوماً در اساعبرگریدگان امرش بتشیت امور روحانیه و سد احتیاجات ضروریه و رفع موانع حائله و استحکام روابط معنویه و انتظام دوائر امریه و انعقاد انجمنهای شوروی روحانیه و اجرای انتخابات ملیه مشغول و مجاهدینکوش باجرا و تنفیذ تصمیمات متخذه نمایندگان خویش مانوس و مألوفنائب و منوب هر دو بر ایفای وظائف حتمیه مقدسه خویش قائم و درادای تکالیف مبرمه مرجوعه متمادیا ساعی و جاهده. از جهتی هیئتمجلله منتخبین جمهور اهل بها روحی لقیادتهم الفدا در اطرافو اکلاف آن صقع جلیل بعزم و نشاطی محیرالعقول و اتحاد و اتفاقیحلل ناپذیر و کفایت و قدرت و درایتی حیرت انگیز بجمع شمل موحدینو تشویق و تعلیم و تحریرص گروه مجاهدین و مقاومت تعدیات و تجاوزاتمشرکین و تعیین و ترغیب و اعزام مبلغین امر حضرت رب العالمین و کشف اسرار و ترویج احکام شرع مبین و اثبات عمومیت و جامعیتآئین نازنین و تعزیز و تنشیت و حفظ وحدت ملت ستمدیده بها در آنسرزمین پرداخته و از جهتی ناخبین و تابعین آن نمایندگان محترم از مؤمناتو مؤمنین روحی نفنائهم فی الله فداء کتله واحده در حول نخبه اهل بهادر آن اقلیم پر بلا مجتمع و طائف و در نهایت تسلیم و رضا و صلح و صفاقلب و بصر را متوجه بأوامر و تعلیمات و دستورات صادره ازأمناء و وکلای خویش ساخته بأاراده آنان متحرکند و بهدایتشان مهتدیر اثر اقدامشان سالکند و در تنفیذ و تأیید هر تصمیم و قراری جاهد و ساعیرئیس و رؤس و تابع و متبوع دو رکن رکن سلطنت و حکومت آتیه روحانی حضرت بهاءالله در آن اقلیم جلیل چون شهد و شیر بیکدیگر آمیختهو مانند دو دلبدر دست در آغوش یکدیگر انداخته بشأنی که جدائی و دوئیوتو تباین مصلحت و تنافر و رقابت که شأن دول و ملل این جهان پر آشوبو انقلاب است از جامعه پیروان محبوب آفاق محو و زائل گشته ووحدت اصلیه در معتقدات و مسلک و اقدامات اهل بها چهره گشودهوقت آن است ولایة امور و رعیت مظلوم و مقهور نظری بشؤنروحانی و اداری حزب مظلوم بنمایند. اس اساس شریعت سمحرا تحقیق نمایند و بر کیفیت نظم الهی و دستور آسمانی مطلع و مستحضر گردندمعنی خلاقیّت کلمةالله را ادراک کنند و بروح آزاد مشعشع نافذ امر بها آشنا شوند. از تضامن و تفاهم و تعاون و تفاعل عناصر مختلفه متباینه در ظل ناموس اعظم الهی عبرت گیرند و سر فدا و آیت وفا را از فدائیان اسم اعظم بیابند و تعلیم گیرند. الا له العزة والسناء و له العظمة والبهاء و له القدرة والبقاء و له الرفعة والضياء بما رفعبرقع الستر عن وجه شریعته السّمحاء و استفرد بسلطانه علی عرش الاستقلالو اظهر من خفیّات الامر ما شخصت منه الابصار.

تعالی هذا المقام المتعظّم المتعزّز المتعالی الباذخ المنیع. سوف یضع روات الكذب والأفتراء انامل الحسرة بین انیابهم و یضجن فی قلوبهم و یضربنّ ملائكة العذاب علی فهم اذا هم فی غشواتهم میتون. یا امناء البهائم خلیقته و صفوته فی برّيته. این عبد سراپا تقصیر بدیده، اشتیاق منتظر و در جوار مرقد نیر آفاق متضرع و مبتهل که در نتیجه مشاورات و مذاکرات و تصمیمات متّخذة در انجمن شوروی نورانی روحانیان در مدینه مبارکه طهران شعله ای فروزنده از قلب آن اقلیم مرتفع گردد و خش و خاشاک مفتریات مجعوله که از حقایق سفلیه تراوش نموده دفعةً واحده بسوزاند و سدّ متینی از زیر حدید بر پا نماید تا آنچه از شبهات و اشارات که در مستقبل ایام از جهله قوم و سفله انام چون سیل منهر گردد مقاومت نماید. صفوف اهریمنان را در هم شکند و هیاکل بغضیهو نفوس منعیه را بیدار و متنبه گرداند و نیز امید و طید این عبد آن است که در اثر انعقاد این انجمن الهی که در حقیقت اولین مجمعیانیده کافه ایالات و ولایات آن کشور مقدّس است چنان حشر و نشوریدر صدور حضار تولید گردد و انعکاسات ملاً اعلی پرتوی بر آن جمع افکند که اثراتش در انفس و ارواح مؤمنین آن اقلیم و دوائر امریه هر دو نمایانو پدیدار گردد بلکه سرایت به پیگانگان نماید و نظر حکام و توانگران آتمملکت را بعلو مبداء و حسن اسلوب و سرعت نفوذ و متانت بنیاد که از خصائص شرع بدیع منیع حضرت بهاء الله است متوجه سازد لعلهم یتدوا الی هذا المنهج القویم والصرّاط القائم الواضح المستقیم.

ای سروران لشکر حیات در ایندم که بیاری حضرت ربّ الجنود مبعثن فی الارضین والسّموات رایات باهرات ربّ الآیات البینات بدست ملائکه ناشرات در آن صفحات اندکی مرتفع گشته این ندایا خفی و صلاهی جان افزا از رفر اسمی بسمع سروران جند صفتبسته بها که در میادین فدا در آن کشور پر محنت و بلا بمظلومیّت کبریو قوه جمال ابری بتسخیر قلوب محتجبه اهل آن ولا مشغولند متواصل:

ان یا حملة امری و حفظة امانتی و خزنته اسراری و قوّة جیشی الغالب علی العالمین. طوبی لکم مرّحی بکم بما ظهرت طلائع النصر من افق دیار کذاً استقیموا علی امری و ثبتوا اقدامکم علی صراطی فوربّ العما و سأمّد کبأ سباب السّموات و الارض الی ان یثبت امری و تنکشف اسراری و تتحقّق کلمتی و تستقرّ حکومتی و تعلقو سلطنتی. کلّ ذلک کتبتہ علی نفسی فی لوح حفیظ. و نفس الحق ساریکم خفیّات امری و بدائع صنعی و لطائف حکمتی اذا فانصرونی بأقوالکم و اعمالکم و اموالکم و ارواحکم و ما وهبکم ربکم یا معشر المجاهدین.

ای برادران روحانی ایام خوش رضوان است و این عبد ناتوان باجمعی از مجاوران کعبه جانان بیاد مساعی جلیله و مجهودات مستمره آنبرگزیدگان و مجاهدان سبیل حضرت رحمن پر روح و ریحان. بذکرتاندمسازیم و از هبوب نسّات حبّ و وفا از شطرتان پر وجد و اهتزاز. در طلب مصونیت و موفقیتتان در این جوار همواره با ربّ بی انباز در راز و نیازیم و در تهلیل و تجمید این جشن اعظم مبارک الهی با آن یار انعمونی همدم و هم آواز. فرخنده نفسی که در این روز فیروز و عصرجهان افروز ساعات و دقائق حیات گرانهای خویش را صرفاعزاز و اشتهار و استخلاص و نصرت و استقلال این آئین اعظم الهی بفرمود و نجسته قلبی که بجز بسط دعوتش در این جهان تنگ و تاریک تمنا و آرزوینکرد. پس خوشا بحال شما که این مقام بلند اعلی را حائزید و باین وظیفه عالیّه متعالیه کبری مفتخر و فائز. بیشه حقیقت را غضنفران صندریدو مضمار عبودیت کبری را فارسانی شجیع و دلیر. برور ایام و ستابع شهر و اعوام آنچه در هویت این امر خفی الطف اعترّ اعلی مکتون و مخزون و مندجاست مکشوف و پدیدار گردد و رفعت مقام آن سروران عظام در ما بینانام واضح و مبرهن شود. و انّ هذا الوعد غیر مکذوب.

یا امناء الرحمن آنچه در خصوص قضیهء سبّ احوال مرقوم نموده بودید بدقت مطالعه گردید و مقصود مفهوم گشت عجاله آنچه را در این خصوص بحافله تقدسهء روحانیه دستور داده‌اید موافق و مناسب. لعلّ الله یحدث بعد ذلک امرأ مرضیاً. همچنین قرار آن محفل مقدّس راجع باقدا مخادم صمیمی امرالله آقا هوشنگ اردشیر مقبول و صائب. بأعضای محفل روحانی یزد اطلاع دهید و این عبد نیز مستقیماً با آنان مخبره نمایم دستور دهم که آنچه را متفقاً آندو محفل نورانی تصویب نمایند مدوحو مطلوب این عبد است.

از ظهور و بروز و شهامت و ثبات و استقامت و تعلق مفرط حبیب نورانیو یار حقیقی صمیمی جناب آقا محمد حسین کاشانی روحی لوفاته الفدا روحو ریحان و سرور و اطمینان حاصل گشت. امیدوارم بمرور ایام نصایح شفقانه آن والد مؤمن ثابت پر وفا در آن پسر متزلزل بیوفا تأثیرات کلیه نماید و عملاً خلوص و صمیمیت و تمسک خویش را بمبادی سامیه امرالله اثبات نماید. علی العجاله مکالمه و مراوده پدر با پسر را ممانعت ننمائید امید این عبد آن است نتایج مستحسنه متدرجاً ظاهر و پدیدار گردد.

حفظکم الله و ایدکم فی جمیع الشئون والاحوال

بنده آستانش شوقی

۳۰ آپریل ۱۹۲۸